

چهاردهمین شماره — تاریخ پنهان آیه چهل

دومین وای - بخش اول

Jeff Pippenger

2026-06-05

در مقاله پیشین، ویژگی‌های نبوی شیپور پنجم، که نخستین وای است، را با قانون یکشنبه قریب الوقوع منطبق ساختیم. در نظر گرفتن شیپور پنجم به عنوان نخستین سه شیپور آخر، از این رویکرد که نخست، آخر را به تصویر می‌کشد، نقش نبوی اسلام نخستین وای را با زلزله مکاشفه یازده همسو می‌سازد. روز پس از آن که این مقاله را در جلسه سبت بررسی کردیم، ایمیلی از دوستی دریافت کردم، و دوستم نیز می‌کوشید شیپور ششم، که دومین وای است، را با قانون یکشنبه قریب الوقوع منطبق سازد. این رویکردی معتبر است، زیرا سه شیپور آخر، سه وای هستند.

Y miré, y oí a un ángel volar por en medio del cielo, diciendo a gran voz: ¡Ay, ay, ay de los moradores de la tierra, a causa de los otros toques de trompeta de los tres ángeles que aún han de tocar! Apocalipsis 8:13

سه شیپور آخر در میان هفت شیپور نمادی متمایز هستند، همان گونه که سه کلیسای آخر از چهار کلیسای نخست متمایزند و سه مهر آخر از میان هفت مهر متمایز می‌باشند. این حقیقت نبوی در طی سالیان بارها مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر توجه به نوری که از بررسی وای اول و وای سوم به عنوان نمادی از آلفا و امگا پدید می‌آید، همچنین باید سه وای را به عنوان کاربردی سه گانه از نبوت نیز در نظر بگیریم.

کاربردی سه گانه از نبوت نشان می‌دهد که همه ویژگی‌های نبوی وای اول و دوم در وای سوم نیز وجود خواهند داشت. وای اول اسلام عربستان بود و وای دوم اسلام ترکیه. وای اول برای آن بود که «عذاب دهد» و وای دوم برای آن که یک سوم انسان‌ها را «بکشد».

عذاب پهلوی آفت

و به آنان داده شد که ایشان را نکشند، بلکه پنج ماه عذابشان دهند؛ و عذاب ایشان مانند عذاب کژدم است هنگامی که انسانی را می‌گزد. ... و ایشان دمهایی مانند کژدم‌ها داشتند، و در دمهایشان نیش‌ها بود؛ و قدرت ایشان این بود که مردمان را پنج ماه آسیب رسانند. مکاشفه ۹:۵، ۱۰

مرگ وای دوم

و آن چهار فرشته آزاد شدند که برای ساعتی، و روزی، و ماهی، و سالی مهیا شده بودند تا ثلث انسان‌ها را بکشند. ... از این سه بود که ثلث انسان‌ها کشته شدند: به آتش، و دود، و گوگردی که از دهان‌های ایشان بیرون می‌آمد. مکاشفه ۹:۱۵، ۱۸.

آن دو ثلث از مردمان که کشته نشدند، توبه نکردند.

اور باقی آدمی، جو ان آفتوں سے ہلاک نہ ہوئے، پھر بھی اپنے ہاتھوں کے کاموں سے توبہ نہ کی، تاکہ وہ شیاطین اور سونے، چاندی، پیتل، پتھر اور لکڑی کے بتوں کی پرستش نہ کریں، جو نہ دیکھ سکتے ہیں، نہ سن سکتے ہیں، اور نہ چل سکتے ہیں۔ اور نہ ہی انہوں نے اپنی خونریزیوں، نہ اپنی جادوگریوں، نہ اپنی زناکاریوں، اور نہ اپنی چوریاں چھوڑ کر توبہ کی۔ مکاشفہ 9:20، 21۔

هفت شیپور نماد هفت بلای آخرند، و در آیه بیست، شیپورها بلاها خوانده شده‌اند. ایالات متحده یک سوم اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب است، و به عنوان پادشاهی ششم در قانون یک‌شنبه کشته می‌شود. مرگ آن به سبب عبادت دروغین پدید آمد؛ عبادتی که با «اعمال دست‌های ایشان»، «پرستش» «دیوها و بت‌های طلا و نقره و برنج و سنگ و چوب»، و با «قتل‌ها»، «جادوگری‌ها»، «زنا» و «دزدی» تمثیل شده است.

عبادت باطل، که عبادت یک‌شنبه نماد آن است، همان «علت»ی است که باید از آن توبه شود؛ اما توبه نکردند، پس «معلول» آن، عذاب و مرگی است که به وسیله ملخ‌های اسلام آورده می‌شود. هرچند یک سوم انسان‌ها، یعنی ایالات متحده، در هنگام قانون یک‌شنبه کشته می‌شود، آن دو سوم دیگر توبه نمی‌کنند.

افسوس‌ها و فرشتگان

مصیبت اول و دوم با فرشته اول و دوم تاریخ میلری مطابق‌اند، و آن تاریخ در تاریخ صد و چهل و چهار هزار، مو به مو تکرار می‌شود. تاریخ صد و چهل و چهار هزار، تاریخ فرشته سوم است و با مصیبت سوم مطابقت دارد. همان‌گونه که نشانه‌های راه تاریخ میلری در تاریخ صد و چهل و چهار هزار تکرار می‌شوند، همچنین نشانه‌های راه مصیبت اول و دوم نیز در تاریخ فرشته سوم تکرار خواهند شد.

«پیام اول و دوم در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ داده شدند، و اکنون ما تحت اعلام پیام سوم هستیم؛ اما هر سه پیام هنوز باید اعلام شوند. اکنون نیز، همچون هر زمان پیش از این، به همان اندازه ضروری است که این پیام‌ها برای کسانی که در جست‌وجوی حقیقت‌اند تکرار شوند. ما باید با قلم و زبان این اعلام را طنین‌افکن سازیم و ترتیب آن‌ها و نیز کاربرد نبوت‌هایی را که ما را به پیام فرشته سوم می‌رسانند، نشان دهیم. سومی نمی‌تواند بدون اول و دوم وجود داشته باشد. این پیام‌ها را باید از طریق نشریات و در خطابه‌ها به جهان برسانیم، و در امتداد تاریخ نبوی، چیزهایی را که بوده‌اند و چیزهایی را که خواهند بود، نشان دهیم.» Selected Messages, book 2, 104.

तृतीय को सन्देशो के स्वर्गदूतों द्वितीय और प्रथम, मे रूप के वदियार्थियों के भवषियवाणी, कार्य हमारा क्योकि, सकता नहीं ही हो सन्देश तृतीय बनि के सन्देशो दो पहले है। करना संयोजति में सन्देश के स्वर्गदूत और प्रथम यद क्योकि, है सत्य से दृष्टकी' क्रम 'यह' सकता। नहीं ही हो तृतीय बनि के द्वितीय और प्रथम" और प्रथम क्योकि, है सत्य भी से दृष्टकी' वषियवस्तु 'यह है। ही प्रथम में वास्तव तृतीय तो, है नहीं द्वितीय और प्रथम से रूप गणतीय है। कराती पहचान की वशिषताओं की तृतीय वशिषताएँ भवषियद्वाणीगत की द्वितीय ,रहते नहीं मार्गचहिन कोई में स्वर्गदूत तृतीय भी से रूप भवषियद्वाणीगत और, होता नहीं तृतीय बनि के द्वितीय जाए। दिया छोड़ को मार्गचहिनो के द्वितीय और प्रथम यद

خدا پیام‌های مکاشفه ۱۴ را در جایگاه خود در سلسله نبوت قرار داده است، و کار آنها تا پایان تاریخ این زمین نباید متوقف شود. پیام‌های فرشته اول و دوم هنوز برای این زمان حقیقت‌اند، و باید به موازات این پیامی که در پی می‌آید پیش روند. فرشته سوم هشدار خود را با آوازی بلند اعلام می‌کند. «پس از این امور»، یوحنا گفت، «فرشته‌ای دیگر را دیدم که از آسمان فرود می‌آید و قدرتی عظیم دارد، و زمین از جلال او منور گردید.» در این روشنایی، نور هر سه پیام با هم متحد است.» The 1888 Materials, 803, 804.

کار ما این است که «در خط تاریخ نبوی، چیزهایی را که بوده است» در جنبش میلری‌ها، و «چیزهایی را که خواهد بود» در جنبش صد و چهل و چهار هزار نشان دهیم.

«خداوند در شرف آن است که جهان را به سبب بی‌عدالتی‌اش مجازات کند. او در شرف آن است که هیئت‌های دینی را به سبب رد نور و حقیقتی که به ایشان داده شده است مجازات نماید. پیام

عظیم، که پیام‌های فرشته‌ی اوّل، دوّم و سوّم را در بر می‌گیرد، باید به جهان اعلان شود. این باید بار رسالت ما باشد.» The Seventh-day Adventist Bible Commentary, جلد 7، 950.

پیوستن پیام فرشته‌ی اول و دوم همان چیزی است که زمین را هنگامی روشن می‌سازد که فرشته‌ی مکاشفه هجده فرود می‌آید. او اظهار داشت: «یوحنا گفت: "بعد از این امور، فرشته‌ای دیگر را دیدم که از آسمان نازل می‌شد، دارای قدرتی عظیم، و زمین از جلال او روشن گردید." در این روشنائی، نور هر سه پیام با یکدیگر متحد می‌شود.» «روشنائی» ای که با «روشن شدن» «زمین» ارتباط دارد، هنگامی تحقق می‌یابد که «نور هر سه پیام با یکدیگر متحد شود.» کار متحد ساختن، سطر بر سطر، این سه پیام، از طریق موازی قرار دادن تاریخ میلری با تاریخ صد و چهل و چهار هزار نیز باید در مورد سه وای تحقق یابد.

سقوط بابل، چنان‌که فرشته‌ی دوم اعلام کرد، از پیام فرشته‌ی اول جدایی‌پذیر نیست. پیام فرشته‌ی اول، آمدن دوم مسیح را در سال 1843 مشخص ساخت، و هنگامی که آن پیام ناکام ماند، اثر آن پیام سقوط کلیساهای پروتستان را پدید آورد. آن اثر، همان فرشته‌ی دوم بود؛ علت، ناکامی فرشته‌ی اول بود. اگر فرشته‌ی اولی در کار نمی‌بود، سقوط بابلی نیز، آن‌گونه که فرشته‌ی دوم اعلام کرد، رخ نمی‌داد. عنصری که علت و معلول را به یکدیگر پیوند می‌داد، «زمان» بود. «زمان» (1843) تحقق نیافت، و همان ناکامی «اثر» را به وجود آورد. «علت» عبارت بود از خطای این تشخیص که آن سه نبوتی که میلر به اشتباه نتیجه گرفته بود، حدود سال 1843 پایان می‌یابند. آن سه نبوت 1335، 2300، و 2520 ساله، از نظر میلر قرار بود با آمدن مسیح بر ابرها در سال 1843 به پایان رسند. هنگامی که نبوت‌های زمانی‌ای که میلر به خطا فهمیده بود، ناکام ماندند، این امر دلیلی برای پروتستان‌ها فراهم آورد تا پیام فرشته‌ی اول را رد کنند، و فرشته‌ی دوم فرا رسید. فرشته‌ی اول «علت» بود و فرشته‌ی دوم «معلول».

پیام‌های فرشته‌ی اول و دوم را نمی‌توان از یکدیگر جدا ساخت، زیرا از لحاظ نبوی به وسیله‌ی زمان نبوی به هم پیوسته‌اند. وای اول و دوم نیز از لحاظ نبوی به وسیله‌ی «زمان» به هم مرتبط‌اند. نبوت زمانی وای اول، که صد و پنجاه سال عذاب را مشخص می‌سازد، دقیقاً در همان نقطه پایان می‌یابد که نبوت زمانی سه صد و نود و یک سال و پانزده روز وای دوم، که می‌کشد، آغاز می‌شود. نبوت زمانی، وای اول و دوم را به هم پیوند می‌دهد و همچنین پیام‌های فرشته‌ی اول و دوم را.

تحقق نبوت الزمن الخاصة بالویلین الأول والثاني منح رسالة الملاك الأول قوةً، وأنزل ملاك رؤيا عشرةً لينير العالم بمجده. وعن الملاك الأول، سجلت الأخت وايت أنها «أخبرت بأن رسالته كانت أن تُنير الأرض بمجده وتُنذر الناس بغضب الله الآتي». وهذه هي بعينها رسالة الملاك الثالث في رؤيا ثمانية عشر.

«آن فرشته‌ای که در اعلام پیام فرشته‌ی سوم متحد می‌شود، باید تمامی زمین را با جلال خود روشن سازد. در اینجا کاری با گستره‌ای جهانی و قدرتی بی‌سابقه پیشگویی شده است. جنبش ظهور ۱۸۴۰-۱۸۴۴ جلوه‌ای باشکوه از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته‌ی اول به هر ایستگاه بشارتی در جهان رسانده شد، و در برخی کشورها عظیم‌ترین علاقه دینی پدید آمد که از زمان اصلاحات قرن شانزدهم در هیچ سرزمینی دیده نشده بود؛ اما اینها باید به وسیله‌ی آن جنبش نیرومند تحت آخرین هشدار فرشته‌ی سوم فزون‌تر گردد.»

این کار همانند کار روز پنتیکاست خواهد بود. همان‌گونه که «باران اوّل» در ریزش روح القدس در آغاز بشارت انجیل عطا شد تا موجب رویش بذر گران‌بها گردد، همچنین «باران آخر» در پایان آن عطا خواهد شد تا محصول برای درو رسیدگی یابد. «آنگاه اگر در پی معرفت خداوند باشیم، خواهیم دانست؛ طلوع او همچون سپیده دم مهیاست، و او برای ما مانند باران خواهد آمد، مانند باران آخر و اوّل بر زمین.» هوشع ۶:۳. «پس ای فرزندان صهیون، شادی کنید و در یهوه خدای خود

مسرور باشید؛ زیرا او یارانِ اوّل را به اندازه به شما داده است، و برای شما باران را فرو خواهد فرستاد، یعنی بارانِ اوّل و بارانِ آخر را.» یوئیل ۲:۲۳. «و در ایّام آخر، خدا می‌فرماید، از روح خود بر تمامی بشر فرو خواهم ریخت.» «و چنین خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.» اعمال ۲:۱۷، ۲۱.

«کار بزرگ انجیل نباید با ظهوری کمتر از قدرت خدا نسبت به آنچه آغازش را مشخص ساخت، به پایان برسد. نبوت‌هایی که در ریزش بارانِ اوّل در آغاز انجیل تحقق یافتند، بار دیگر در بارانِ آخر، در پایان آن، تحقق خواهند یافت. اینک آن "اوقاتِ تازگی" است که رسول پطرس بدان چشم دوخته بود، آن‌گاه که گفت: "پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، تا اوقاتِ تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی را بفرستد." اعمال ۳:۱۹، ۲۰.» جدال عظیم، 611.

تحققُ نبواتِ الأزمنة الخاصة بالویل الأول والثاني أنزلَ الملائكة لِينِيرَ الأرضَ بِمَجْدِهِ سنةَ 1840، وبذلك أضفى قوّةً على رسالةِ الملائكة الأول؛ وتحققُ الويل الثالث أنزلَ الملائكة لِينِيرَ الأرضَ بِمَجْدِهِ في 11/9، وبذلك أضفى قوّةً على رسالةِ الملائكة الثالث. وإثارةُ الأرض تتم من خلال الجمع بين الحركتين في تطبيق متواز—سطراً على سطر. إنها رسالةُ الويلاتِ الثلاثِ التي تضيفي القوّة على رسالةِ الملائكة الثلاثة. وهما منسوجتان معاً كخطّين؛ أحدهما داخلي والآخر خارجي. وتمثّل الملائكة الثلاثة عملَ شعب الله، ويضيفي على عملهم قوّة من خلال تحقق الويلاتِ الثلاث. الخارجي هو الإسلام وعمله النبوي، والداخلي هو المسيح في شعيه—رجاء المجد. ولهذا السبب ارتبطَ يهوذا بالجحش في نبوة يعقوب بشأن رمزية أبنائه الثاني عشر في الأيام الأخيرة.

.Y Jacob llamó a sus hijos, y dijo: Juntaos, y os declararé lo que os ha de acontecer en los postreros días. Juntaos y oíd, hijos de Jacob; y escuchad a Israel vuestro padre. ... Judá, tú, a quien alabarán tus hermanos; tu mano estará sobre el cuello de tus enemigos; los hijos de tu padre se inclinarán delante de ti. Cachorro de león, Judá; de la presa, hijo mío, has subido: se encorvó, se echó como león, así como león viejo; ¿quién lo despertará? No será quitado el cetro de Judá, ni el legislador de entre sus pies, hasta que venga Shiloh; y a él se congregarán los pueblos. Atando a la vid su pollino, y a la cepa escogida el hijo de su asna; lavó en vino sus vestidos, y en la sangre de uvas su manto: Sus ojos rojos del vino, y sus dientes blancos de la leche. Génesis 49:1, 2, 8–12

مسیح شیرِ قبیلهٔ یهوداست؛ آن‌که جامه‌های خویش را در خون شست و «مو برگزیده» است که به‌گونه‌ای نبوی به «کرهٔ لاغ» بسته شده است. پیامِ ظاهریِ سه وای، به پیامِ باطنیِ سه فرشته بسته است. فرشتهٔ اوّل و دوم با فرشتهٔ سوم به‌موازات پیش می‌روند، و وایِ اوّل و دوم نیز باید با وایِ سوم به‌موازات پیش روند.

کلید

نبرد نینوا «کلید»ی است که تاریکیِ اسلام را بر جهان می‌آورد، هنگامی که زخمِ مهلکِ کاتولیسیم رومی در قانون یکشنبه‌ای به‌زودی آمدنی شفا می‌یابد؛ همان قانونی که زلزلهٔ مکاشفهٔ یازده است، جایی که وایِ سوم ناگهان فرا می‌رسد. این امر در «ساعت» آن زلزله واقع می‌شود.

اور اُسی گھڑی ایک بڑا زلزلہ آیا، اور شہر کا دسواں حصہ گر پڑا، اور اُس زلزلے میں سات ہزار آدمی ہلاک ہوئے؛ اور باقی لوگ خوف زدہ ہوئے اور آسمان کے خدا کی تمجید کی۔ دوسرا افسوس گزر گیا؛ اور دیکھو، تیسرا افسوس جلد آنے والا ہے۔ مکاشفہ 11:13، 14.

قانون یکشنبه آغازگر زمان آزمون صورت وحش برای جهان است، و نبرد نینوا کلیدی است که فتح پادشاهی ششم را مشخص می‌سازد، آنگاه که فاحشه صور به یاد آورده می‌شود، در همان هنگام که به انجام اشعار خویش در تحقق اشعیا بیست‌وسه آغاز به سرودن می‌کند. آزمون صورت وحش، آزمونی است که به واسطه آن سرنوشت ابدی انسان تعیین می‌گردد، و این تعیین پیش از بسته شدن مهلت فیض انجام می‌پذیرد. مهلت فیض برای جهان هنگامی بسته می‌شود که میکائیل برمی‌خیزد. زمان آزمون صورت وحش برای جهان در مکاشفه باب سیزده، آیات دوازده و پس از آن، در زمان آزمون صورت وحش برای ایالات متحده به گونه‌ای نمادین پیش‌نمایانده شده است.

«هنگامی که آمریکا، سرزمین آزادی مذهبی، با پایتت در واداشتن وجدان و مجبور ساختن مردم به تکریم سبت کاذب متحد شود، مردمان هر کشور بر روی کره زمین به پیروی از نمونه او سوق داده خواهند شد.» شهادت‌ها، جلد ۶، ص. ۱۸.

تصویر وحش کا امتحانی زمان امریکه میں مکاشفہ سات کے ایک لاکھ چوالیس ہزار کو جدا کرتا اور مہر کرتا ہے، اور دنیا کے لیے تصویر وحش کا امتحانی زمانہ مکاشفہ سات کی اُس بڑی جماعت پر مہر ثبت کرتا ہے۔

«ملت‌های بیگانه از نمونه ایالات متحده پیروی خواهند کرد. هرچند او پیشگام است، با این حال همان بحران بر قوم ما در همه نقاط جهان نازل خواهد شد.» شهادت‌ها، جلد ۶، ص. ۳۹۵.

کلیدی که به وسیله نبرد نینوا نمایانده شده است، آغاز زمان آزمون تصویر برای جهان را مشخص می‌سازد، در حالی که هم‌زمان پایان زمان آزمون تصویر برای ایالات متحده را نیز رقم می‌زند. کلیدی که به وسیله نبرد نینوا نمایانده شده است، هاویه را می‌گشاید؛ همان هاویه‌ای که سیلاب اسلام را، که در جهان به صورت ملخ‌ها نمادپردازی شده است، به همراه می‌آورد. آن کلید در پایان فریاد نیمه‌شب، به وسیله کلیدی متناظر می‌گردد که در آغاز فریاد نیمه‌شب، همان هاویه را در ایالات متحده می‌گشاید.

کلید در ایالات متحده در لاویان بیست‌وسه به صورت عید شیپورها به تصویر کشیده شده است، آنگاه که الاغ در آغاز اعلام فریاد نیمه‌شب رها می‌شود. آن کلید زمانی چرخانده می‌شود که گلوله‌های آتشین نشویل فرامی‌رسند. عید شیپورها، و حمله بر نشویل هنگامی که اسلام رها می‌شود، نبرد نینوا را در هنگام قانون یکشنبه نمونه‌وار می‌سازد.

قانون یکشنبه پایان اعلام فریاد «نیمه‌شب» است، زیرا در آن هنگام آن فریاد به فریاد «بلند» تبدیل می‌شود، و آغاز آن دوره بنا بر ضرورت نبوی باید پایان را به تصویر کشد. در بلای اول، اسلام می‌بایست به مدت یکصد و پنجاه سال سپاهیان روم را عذاب دهد، سپاهیی که نمونه‌ای از ایالات متحده‌اند. کلید (نبرد نینوا) همان‌گونه که عید کرناها چنین می‌کند، آغاز اعلام فریاد نیمه‌شب را مشخص می‌سازد. در لاویان بیست‌وسه، میان عید کرناها و پنتیکاست، که همان عید خیمه‌ها نیز هست، پانزده روز فاصله است. این پانزده روز در خلال زمان آزمون صورت حیوان در ایالات متحده با آن یکصد و پنجاه سال عذاب در بلای اول متناظر است. پانزده، عشر یکصد و پنجاه است.

آن پانزده روز (یکصد و پنجاه سال) هنگامی پایان می‌یابد که سیصد و نود و یک سال و پانزده روز آغاز می‌شود. از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به بعد، زمان نبوی دیگر قابل اعمال نیست؛ بنابراین، آن یکصد و پنجاه سال عذاب، نمادی از پانزده روز لاویان بیست‌وسه است که با عید شیپورها آغاز می‌شود، و پنج روز بعد با صعود علم دنبال می‌گردد، و پنج روز بعد با داوری روز کفاره، و سپس با پنج روزی که تا ریزش پنطیکاستی باقی است، ادامه می‌یابد.

در آنجا «ساعت، و روز، و ماہ، و سال، برای کشتن ثلث انسان‌ها» آغاز می‌شود. «ساعت» همان ساعت زلزله عظیم است، کہ همان قانون یکشنبه می‌باشد. «روز» روز انتقام خداوند است، آنگاه کہ کلیسای لائودکیایی ادونتیسٹ‌های روز ہفتم از دہان خداوند بیرون افکنده می‌شود.

کیونکہ وہ ایک ایسی قوم ہیں جو مشورہ سے خالی ہے، اور نہ ہی اُن میں کچھ سمجھ ہے۔ کاش کہ وہ دانا ہوتے، کاش کہ وہ اِس بات کو سمجھتے، کاش کہ وہ اپنے انجام پر غور کرتے! ایک کیسے ہزار کو بھگا سکتا ہے، اور دو کیسے دس ہزار کو فرار کر سکتے ہیں، اگر اُن کی چٹان نے انہیں بیچ نہ دیا ہوتا، اور خداوند نے انہیں بند نہ کر دیا ہوتا؟ کیونکہ اُن کی چٹان ہماری چٹان کی مانند نہیں، اِس پر ہمارے دشمن خود ہی گواہ ہیں۔ کیونکہ اُن کی انگور کی بیل سدوم کی بیل می پی سے ہے، اور عمورہ کے کھیتوں میں سے: اُن کے انگور زہر کے انگور ہیں، اُن کے خوشے کڑوے ہیں: اُن کی مے اڑبھوں کا زہر، اور ناگوں کا ہولناک سم ہے۔ کیا یہ میرے پاس ذخیرہ نہیں کیا گیا، اور میرے خزانوں میں مہر بند نہیں رکھا گیا؟ انتقام اور بدلہ میرے ہی اختیار می پی ہے؛ وقت مقررہ پر اُن کا پاؤں پھسل جائے گا: کیونکہ اُن کی ہلاکت کا دن نزدیک ہے، اور جو کچھ اُن پر آنے والا ہے وہ جلدی کرتا ہے۔ کیونکہ خداوند اپنے لوگوں کا انصاف کرے گا، اور اپنے بندوں پر ترسی کھائے گا، جب وہ دیکھے گا کہ اُن کی قوت جاتی رہی، اور نہ کوئی بندے نہ آزاد۔ تب وہ کہے گا، اُن کے معبود کہاں ہیں، وہ چٹان جس پر انہوں نے بھروسا کیا تھا۔ استثنا 32:28-37.

«ساعت» زلزله، «روز مصیبت ایشان» است۔ این داوری آنانی در ادونتیسٹم است کہ درکی از دانشی کہ در ایام آخر افزوہ می‌شود ندارند۔ آنان صخرہ‌ای قلبی را برگزیدہ‌اند تا خانہ خود را بر آن بنا کنند، و در حقیقت، صخرہ ایشان ریگ است۔

“آگاہی آچکی ہے: کسی ایسی چیز کو اندر آنے کی اجازت نہیں دی جانی چاہیے جو اُس ایمان کی بنیاد کو متزلزل کرے جس پر ہم اُس وقت سے تعمیر کرتے آئے ہیں جب 1842، 1843، اور 1844 میں یہ پیغام آیا تھا۔ میں اس پیغام میں شامل تھی، اور اُس وقت سے اب تک میں اُس نور کے ساتھ وفادار رہتے ہوئے دنیا کے سامنے کھڑی رہی ہوں جو خدا نے ہمیں دیا ہے۔ ہمارا یہ ارادہ نہیں کہ ہم اپنے پاؤں اُس منبر سے ہٹا لیں جس پر وہ اُس وقت رکھے گئے تھے جب ہم دن بدن اخلاص بھری دعا کے ساتھ خداوند کے طالب ہوتے ہوئے نور کے خواہاں تھے۔ کیا تم سمجھتے ہو کہ میں اُس نور کو ترک کر سکتی ہوں جو خدا نے مجھے دیا ہے؟ وہ ازلی چٹان کی مانند ہونا چاہیے۔ جب سے وہ مجھے دیا گیا ہے، وہ میری راہنمائی کرتا آیا ہے۔” Review and Herald, April 14, 1903.

”مہینا“ پہلے مہینے کی نمائندگی کرتا ہے۔

پس ای فرزندان صہیون، شادمان باشید و در یہوہ خدای خود وجد نمایید؛ زیرا او باران نخستین را بہ اندازہ بہ شما عطا کردہ است، و برای شما باران را فرو خواہد فرستاد، یعنی باران نخستین و باران آخر را در ماہ اول۔ و خرمناگاہا از گندم پر خواہد شد، و چرخشت‌ها از شراب و روغن لبریز خواہد گردید۔ و سال‌هایی را کہ ملخ خوردہ است، یعنی غازام و یلق و حسیل و آربہ را، آن لشکر عظیم خود را کہ در میان شما فرستادم، بہ شما باز خواہم گردانید۔ و شما بہ فراوانی خواہید خورد و سیر خواہید شد، و نام یہوہ خدای خود را کہ با شما بہ شگفتی عمل کردہ است، ستایش خواہید نمود؛ و قوم من ہرگز خجل نخواہند شد۔ و خواہید دانست کہ من در میان اسرائیل ہستم، و اینکہ من یہوہ خدای شما ہستم و دیگری نیست؛ و قوم من ہرگز خجل نخواہند شد۔ یوئیل ۲:۲۳-۲۷.

در «ساعت» قانون یکشنبه، اسلام وای سوم بہ طور غیرمنتظرہ فرود می‌آید، و ادونتیسٹم لائودیکہ وار شرمسار می‌گردد، زیرا بہ صخرہ مار اعتماد کردہ است۔ در آن زمان، در ماہ نخست، باران آخر بر قومی تطہیرشدہ فرو ریختہ می‌شود۔ در آن ہنگام، ایالات متحدہ، پس از عذابی کہ از نشویل بہ بعد ادامہ دارد، کشتہ می‌شود۔ آن عذاب کہ همان ہلاکت شہرہاست آغاز می‌گردد، و در ساعت قانون

یکشنبه، ایالات متحده به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس به پایان می‌رسد (کشته می‌شود) و بدین‌سان زمان آزمون تصویر وحش را برای جهان آغاز می‌کند؛ زمانی که هنگامی پایان می‌یابد که پادشاهی هشتم به فرجام خود برسد، و یآوری برای آن نباشد (کشته شود).

فرات

دریای فرات به گونه‌ای نمادین با اسلام مرتبط است، و «فرات» به معنای «بارور» یا «فرو شکافتن» است. در وای دوم، آن چهار باد که نزد فرات بسته شده‌اند، رها می‌شوند.

اور چھٹے فرشتہ نے نرسنگا پھونکا، اور میں نے اُس سنہری مذبح کے چاروں سینگوں میں سے، جو خدا کے حضور ہے، ایک آواز سنی، جو اُس چھٹے فرشتہ سے، جس کے پاس نرسنگا تھا، یہ کہہ رہی تھی: اُن چار فرشتوں کو کھول دے جو بڑے دریا فرات پر بندھے ہوئے ہیں۔ پس وہ چاروں فرشتے کھول دیے گئے، جو ایک گھڑی، اور ایک دن، اور ایک مہینے، اور ایک سال کے لیے تیار کیے گئے تھے، تاکہ آدمیوں کے تیسرے حصے کو قتل کریں۔ مکاشفہ 9:13-15.

فرات نمایانگر مرز شرقی سرزمین موعود بود، و اسلام در نبوت «بنی‌مشرق» است. ویژگی نبوی آنان این است که مهار و رها می‌شوند، و این امر با مهار شدن هاجر به وسیله ساره آغاز می‌شود.

و خدا گفت: «ساره، همسرت، یقیناً برای تو پسری خواهد زایید، و نام او را اسحاق خواهی نهاد؛ و عهد خود را با او به عنوان عہدی جاودانی، و با نسل او پس از وی، استوار خواهم ساخت. و اما درباره اسماعیل، دعای تو را شنیده‌ام؛ اینک او را برکت داده‌ام، و او را بارور خواهم ساخت، و او را به غایت کثیر خواهم گردانید؛ دوازده رئیس از او پدید خواهند آمد، و او را به امتی بزرگ مبدل خواهم ساخت.» پیدایش 17:19، 20.

اسماعیل ثمربار گردانیده شد، و «فرات» به معنای ثمربار است. در پایان نبوت یکصد و پنجاه سال عذاب وای نخست، نبوت یک ساعت و یک روز و یک ماه و یک سال آغاز شد، هنگامی که اسلام رها گردید تا ثلث مردمان را بکشد. در هنگام قانون یکشنبه، ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس کشته می‌شود، و آن ثلثی از روم جدید است. اسلام در 11 اوت 1840، هم‌زمان با اقتدار یافتن پیام فرشته اول، مهار شده بود، و در 9/11، هم‌زمان با اقتدار یافتن پیام فرشته سوم، رها گردید.

در 9/11، مهر کردن صد و چهل و چهار هزار تن آغاز شد، هم‌زمان با آن که داوری مردگان به پایان رسید و داوری زندگان آغاز گردید. هنگامی که اسلام وای سوم در 9/11 رها شد، بی‌درنگ در خلال زمان مهر کردن، مهار گردید.

«این رؤیا در سال ۱۸۴۷ داده شد، زمانی که از برادران آدونتیست که سبت را نگاه می‌داشتند، تنها عده‌ای بسیار اندک بودند، و از میان ایشان نیز فقط شمار کمی بر این باور بودند که رعایت آن از چنان اهمیتی برخوردار است که میان قوم خدا و بی‌ایمانان خط فاصل پدید آورد. اکنون تحقق آن رؤیا در حال آشکار شدن است. «آغاز آن زمان تنگی» که در اینجا از آن یاد شده است، به زمانی اشاره ندارد که بلاها آغاز به ریخته شدن کنند، بلکه به دوره‌ای کوتاه درست پیش از ریخته شدن آنها، در حالی که مسیح در قدس است، اشاره دارد. در آن زمان، هنگامی که کار نجات به پایان خود نزدیک می‌شود، تنگی بر زمین فروود خواهد آمد، و امت‌ها خشمگین خواهند شد، با این حال مهار خواهند شد تا مانع کار فرشته سوم نگردند. در آن زمان «باران آخر»، یا تازگی بخشی از حضور خداوند، خواهد آمد تا به آواز بلند فرشته سوم قدرت ببخشد و مقدسان را آماده سازد تا در آن دوره‌ای که هفت بلای آخر ریخته خواهد شد، پایدار بایستند.» Early Writings, 85.

دوران «کوتاه» زمانی که به پایان مهلت فیض منتهی می‌شود، همان دورانی است که «مسیح در مقدس» قرار دارد و «کار نجات» را «به پایان» می‌رساند.

«در نظام تمثیلی، که سایه‌ای از قربانی و کهنات مسیح بود، تطهیر قدس آخرین خدمتی بود که کاهن اعظم در جریان خدمت سالانه انجام می‌داد. این، کار پایانی کفاره بود—برداشتن یا دور کردن گناه از اسرائیل. این امر، کار پایانی را در خدمت کاهن اعظم ما در آسمان پیش‌نگاری می‌کرد، یعنی در برداشتن یا محو کردن گناهان قوم او که در سوابق آسمانی ثبت شده‌اند. این خدمت، شامل کار تحقیق، کار داوری است؛ و بی‌درنگ پیش از آمدن مسیح در ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم واقع می‌شود؛ زیرا هنگامی که او می‌آید، هر پرونده‌ای تعیین شده است. عیسی می‌فرماید: "پاداش من با من است تا به هر کس بحسب اعمالش بدهم." مکاشفه ۱۲:۲۲. همین کار داوری است که بلافاصله پیش از رجعت ثانی اعلام می‌شود، در پیام فرشته اول مکاشفه ۱۴:۷: "از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او رسیده است." «نبرد عظیم، ۳۵۲»

«محو شدن گناهان قوم او» در جریان داوری زندگان رخ می‌دهد.

پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، تا اوقات تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی مسیح را که از پیش به شما موعظه شده بود، بفرستد؛ همان که آسمان می‌باید او را بپذیرد تا زمان‌های اعاده همه چیزها، که خدا از بدو عالم به زبان همه انبیای مقدس خویش بیان فرموده است. اعمال ۱۹:۳-۲۱

توبه کردن مستلزم آن است که انسان زنده باشد، و توبه‌ای که پطرس در اینجا در معنای کامل آن بدان اشاره می‌کند، هنگامی واقع می‌شود که «ایام تازگی فرا رسد». آرامش و تازگی همان باران آخر است، که آغاز آن زمانی بود که فرشته نیرومند مکاشفه هجده فرود آمد تا زمین را با جلال خویش روشن سازد. آن فرشته نیرومند همچنین همان فرشته اول یازدهم اوت ۱۸۴۰ بود که هنگامی فرود آمد که اسلام مهار گردید، و آن فرشته «کسی کمتر از عیسی مسیح نبود». «تازگی» و «اوقات رد همه‌چیز» با رها شدن اسلام برای به خشم آوردن امت‌ها آغاز می‌شود، و سپس در حالی مهار می‌گردد که صد و چهل و چهار هزار نفر مهر می‌شوند. ۹/۱۱ زمان‌های تازگی و آرامش را مشخص می‌کند، که همان باران آخر است، و نیز دوره «رد همه‌چیز» را معین می‌سازد. آنچه اعاده می‌شود، کلیساست؛ کلیسایی که از زمان شورش ۱۸۶۳ کلیسای مجاهد بوده است، اما در زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر به کلیسای ظافر بدل خواهد شد.

کلیسای مجاهد آمیزه‌ای از گندم و کرکاس است، و کلیسای ظافر، هدیه نوبر گندم پنطیکاست است. ۱۱ سپتامبر نخستین باری بود که بلعام الاغ را زد، و بلعام (ایالات متحده) بلافاصله پس از آن حمله غافلگیرانه، جنگ جهانی علیه تروریسم را آغاز کرد. الاغ بلعام نماینده سه وای ای است که وای سوم را تشکیل می‌دهند و به موازات پیام‌های سه فرشته جریان دارند. بنابراین، این سه وای از لحاظ نبوی به وسیله سه گام سه فرشته هدایت می‌شوند. از این رو، بار دوم که بلعام الاغ را می‌زند، آن ضربه مضاعف است، چنان‌که همواره در گام دوم چنین است. میان دو تاکستان سرزمین باشکوه کهن لفظی و سرزمین باشکوه نوین روحانی، اسلام در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به اسرائیل ضربه زد، و بی‌درنگ مهاری بر غزه نهاده شد، و سپس اسلام به نشویل ضربه خواهد زد.

حمله نشویل دومین آن دو یورش غافلگیرانه است که در شهادت بلعام در میان تاکستان‌ها رخ می‌دهد. نشویل نشانه راه نبوی‌ای را مشخص می‌سازد که در آن، پیام فریاد نیمه‌شب به فرشته دوم می‌پیوندد. پیام فریاد نیمه‌شب از آن‌گاه آغاز می‌شود که دو شاگرد مسیح، (که نمایانگر پیام فرشته دوم‌اند) الاغ را در آغاز ورود ظفرمندان رها می‌کنند. آن حرکت آیینی در نهایت به صلیب می‌انجامد، که نمایانگر زلزله قانون یک‌شنبه قریب‌الوقوع است؛ جایی که فاحشه روم، پس از آن‌که در تاریخ ایالات متحده به فراموشی سپرده شد، بر ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس غلبه می‌یابد.

هنگامی که فاحشه در قانون یکشنبه سرودهای خود را آغاز به خواندن کند، نبرد نینوا تکرار شده خواهد بود و کلیدی که نشانگر گشایش زمان آزمایش صورت وحش در جهان است، چرخانده شده خواهد بود. نبرد نینوا پایان اعلام فریاد نیمه شب است، که سپس به فریاد بلند فرشته سوم تبدیل می شود. آغاز آن دوره، که با حمله غافلگیرانه بر نشویل مشخص می گردد، نیز به واسطه نبرد نینوا نمونه سازی شده خواهد بود، زیرا عیسی، به عنوان الفا و امگا، همواره پایان را با آغاز به تصویر می کشد. حمله به نشویل، بنا بر ضرورت نبوی، عناصر پیروزی روم بر پارس را در بر خواهد داشت که به اسلام اجازه می دهد زمین را از تاریکی پر سازد. دونالد ترامپ نماد صورت روم است، از این رو او در نبرد نینوا مرتبط با ضربه نشویل غالب خواهد شد، اما نیروی او برای مقاومت در برابر سیلاب اسلام تحلیل رفته خواهد بود.

نبردی که رونالد ریگان در سال ۱۹۸۹ موفق به پیروزی در آن شد، جنگی سرد بود که در پایان جنگ جهانی دوم آغاز شده بود. جنگ سرد ترامپ، نبرد پانیوم است، و به جنگ جهانی سوم در هنگام قانون یکشنبه منتهی می شود؛ قانونی که به واسطه نبرد آکتیوم و نیز نبرد نینوا به صورت نمادین پیش نموده شده است. جنگ سرد ترامپ، که با نبرد پانیوم نمایانده می شود، به فرو افکندن «دیوار» جدایی کلیسا و دولت در قانون اساسی می انجامد، همان گونه که فروافکندن «دیوار» برلین در سال ۱۹۸۹ نماد آن بوده است.

نشویل نمایانگر نقطه ای است که در آن الاغ بلعام، پای بلعام را به دیوار می فشارد و خرد می کند، و بدین سان از زمین گیرشدنی در کنار دیوار پرده برمی دارد. دوره فریاد نیمه شب با رویدادی آغاز می شود که به دیوار جدایی در قانون اساسی برخورد می کند؛ و بدین گونه آغاز برپاداشتن تصویر وحش را رقم می زند (یعنی اتحاد کلیسا و دولت)، با نشانه ای که فرو ریختن دیوار جدایی را در پایان برپاداشتن تصویر وحش، به گونه ای نمادین، باز می نمایاند. دونالد ترامپ به طور نبوی با یک فرمان اجرایی سخن خواهد گفت؛ فرمانی که «سخن گفتن» در قانون یکشنبه را نمادپردازی می کند، همان گونه که در قوانین بیگانگان و فتنه انگیزی 1798 به صورت نمادین نشان داده شد. او در آنجا جهانی گرایان حزب دموکرات و همتایان آنان، یعنی جهانی گرایان RINO در حزب جمهوری خواه، را شکست خواهد داد. پیروزی او بر دشمنانی که در نبرد نینوا به وسیله فارس نمادپردازی شده اند، هر دو سوی جنگ سیاسی را از نیروی لازم برای مقاومت در برابر ملخ های اسلام که بر سراسر سرزمین گسترده خواهند شد، تهی خواهد ساخت. پای خردشده ترامپ همان دیوار در آغاز اعلام فریاد نیمه شب است که به دیوار پایان منتهی می شود.

ما بررسی این سه وای را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.